



دانشگاه باقر العلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه علوم سیاسی و علوم اجتماعی

دانشگاه باقر العلوم (ع)

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی

عنوان:

بررسی انتقادی سیاست‌های تربیتی جمهوری اسلامی ایران

در حوزه کودک با تأکید بر عملکرد رسانه ملی

استاد راهنما:

دکتر سید محمدحسین هاشمیان

استاد مشاور:

دکتر وحید یامین پور

نگارش:

عالمه جمالزاده

تیرماه 1393



تقدیم به:

کودک سه ساله ابوعبدالله حسین علیه السلام
که نه عطش او را از پهای انداخت و نه اسارت

اما هجر و فراق پدر.....

«لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

تشکر و قدردانی از:

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر باشمیان که با صبر و حوصله و راهبانی های ارزنده شان حضور را در انجام این تحقیق یاری نمودند. جناب آقای دکتر یاسین پور که با مشورتها و ارائه نکات ظریف، یاریگر اینجانب در تنظیم پژوهش حاضر بودند.

بجمله تقدیر و تشکر از جناب آقای دکتر امامی و دکتر نیامی که مشورتها و مساعدت های ایشان تأثیر فراوانی در انجام این کار داشت.

در پایان از زحمات و تلاش های دوستان بزرگوارم خانم صدیقی، بزرگی، مهدیان و مهدی پور نهایت تشکر و سپاس دارم.

چکیده

با توجه به اهمیت تربیت در دوران کودکی و تأثیر عمیق و گسترده رسانه ملی در این امر، این پژوهش تلاش دارد با تحلیل و بررسی گفتمان سیاستی موجود در برنامه های کودک و تطابق آن با گفتمان سیاستی مطلوب اسلامی در تربیت کودک به این سؤال پاسخ دهد که «گفتمان سیاستی رسانه ملی در حوزه کودک از چه نقاط قوت و ضعفی برخوردار است؟» روش پژوهش حاضر روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف است، به این معنا که ابتدا از طریق تحلیل محتوای کیفی اسناد نوشتاری و تصویری مورد نظر تحلیل شده و بعد از به دست آمدن مفصل بندی گفتمان مطلوب و موجود رسانه ملی، نظام معنایی هر دو گفتمان با یکدیگر مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. جامعه آماری در این پژوهش برنامه «فیتیله جمعه تعطیله» از سال راه اندازی سند چشم انداز تا 1391 است که از طریق نمونه گیری تصادفی سیستماتیک 19 برنامه از آن انتخاب شد. نتایج پژوهش نشان می-دهد که نظام معنایی گفتمان سیاستی مطلوب اسلامی در حوزه کودک (گفتمان مؤمن مسئول) از عناصر تقویت بنیه علمی، افزایش علاقه و دلبستگی به انقلاب اسلامی، سرگرمی و نشاط، بهداشت و سلامت جسم و آموزش احکام و آموزه های دینی حول دال مرکزی رشد و تربیت دینی و اخلاقی تشکیل شده و عناصر تربیتی، آموزشی، وطن دوستی، بهداشت و سلامت جسم، اطلاع رسانی و تعالیم دینی حول دال مرکزی شادی و سرگرمی به همراه

غفلت نظام معنایی گفتمان سیاستی موجود در برنامه‌های کودک رسانه ملی (گفتمان شهروند سرخوش) را تشکیل می‌دهد؛ با اینکه این دو گفتمان از عناصر و مفاهیمی تقریباً مشابه یکدیگر برخوردارند ولی چون نظام معنایی آنها متفاوت است مفاهیم و مضامین مشابه نیز از معنایی مختلف برخوردار می‌شوند. بنابراین گفتمان سیاستی موجود در رسانه ملی از گفتمان سیاستی مطلوب اسلامی در حوزه کودک فاصله زیادی دارد و بزرگترین ضعف در این گفتمان حاکم نبودن تربیت اسلامی در برنامه‌ها و تأکید زیاد بر موسیقی و محور قرار دادن سرگرمی و نشاط در آنها است.

واژگان کلیدی: تربیت کودک، تلویزیون، گفتمان سیاستی، سیاست تربیتی، الگوی هنجاری، اصول تربیت.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

- 1-1 مقدمه..... 1
- 1-2 بیان مسأله..... 1
- 1-3 سؤالات تحقیق..... 4
- 1-4 اهمیت و ضرورت تحقیق..... 5
- 1-5 اهداف تحقیق..... 6
- 1-6 پیشینه تحقیق..... 7

فصل دوم: چارچوب نظری

- 2-1-1 مقدمه 14
- 2-2 نظریه سیاستگذاری 15
- 2-2-1 تعریف خط مشی عمومی 15
- 2-2-2 الگوهای سیاستگذاری 16
- 2-2-3 فرایند سیاستگذاری 18
- 2-3 اصول سه گانه گفتمان تربیت اسلامی 19
- 2-3-1 نظریه هنجاری 19
- 2-3-1-1 الگوی هنجاری مطلوب رسانه ملی در حوزه کودک از دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی 19
- 23 23
- 2-3-2 نظریه تربیت دینی 33
- 2-3-2-1 انسان شناسی دینی 34
- 2-3-2-2 اهداف تربیت دینی 35
- 2-3-2-3 اصول تربیت دینی 36
- 2-3-3 مؤلفه های تربیت کودک از دیدگاه رهبران نظام انقلاب 40
- 2-4 گفتمان مطلوب رسانه ملی در حوزه تربیت کودک 42

فصل سوم: روش تحقیق

- 3-1 مقدمه 47
- 3-2 روش گردآوری داده ها و اطلاعات تحقیق 47
- 3-3 جامعه آماری 47
- 3-4 روش تحلیل اطلاعات 48
- 3-3-1 تحلیل گفتمان 48
- 3-3-2 تحلیل محتوای کیفی 53

فصل چهارم: یافته های تحقیق

4-1	مقدمه	56
4-2	راهبردها و سیاستهای کلان نهادهای تربیتی در زمینه کودک	56
4-3	سیاستهای اجرایی صدا و سیما در حوزه کودک	57
4-3-1	ضوابط و رویه های اجرایی صدا و سیما در برنامه های کودک	57
4-3-2	تحلیل محتوای کیفی برنامه فیتیله جمعه تعطیله	58
4-3-3	گفتمان سیاستی حاکم بر برنامه فیتیله جمعه تعطیله	86
فصل پنجم: نقد و نتیجه گیری		
5-1	مقدمه	89
5-2	نقد سیاستهای اجرایی صدا و سیما در حوزه کودک	89
5-2-1	مقایسه مؤلفه های ضوابط اجرایی رسانه ملی در برنامه های کودک با	
	گفتمان «مؤمن مسئول»	89
5-2-2	مقایسه دو گفتمان «شهروند سرخوش» و «مؤمن مسئول»	91
5-2-3	نقد گفتمان «شهروند سرخوش»	95
5-3	پاسخ به سؤالات تحقیق	99
5-3-1	پاسخ به سؤالات فرعی	99
5-3-2	پاسخ به سؤال اصلی	103
	پیشنهادات	105
	منابع	106

فصل اول

کلیات

1-1 مقدمه

از آنجا که رسانه ملی یکی از مؤثرترین نهادهای تربیتی در کشور است و نقش بسزایی در تربیت کودکان ایفا می‌کند، در این پایان‌نامه سعی شده است با تحلیل برنامه کودک رسانه ملی و مشخص کردن گفتمان سیاستی حاکم بر برنامه‌ها، نقاط قوت و ضعف این گفتمان از طریق مقایسه با گفتمان سیاستی مطلوب اسلامی در حوزه تربیت کودک بررسی شود.

بنابراین در این فصل بعد از پرداختن به مسأله و سؤالات تحقیق، اهمیت و ضرورت تحقیق و اهداف آن بیان شده و در آخر نیز پژوهش‌ها و تحقیقات انجام‌شده مرتبط با موضوع تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1-2 بیان مسأله

تربیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های انسان است و آدمی از همان دوران کودکی آمادگی پذیرش تربیت و شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های درونی‌اش را دارد. انسانها در دوران کودکی به

دلیل اشتغالات ذهنی کمتر، از لحاظ روانی و ذهنی آمادگی بالایی برای دریافت تعالیم و مفاهیم مختلف دارند؛ در این دوران شخصیت فرد بسیار انعطاف پذیر است لذا استعداد هرگونه تربیتی دارد و هر آنچه در این دوران دریافت کند ریشه دار و محکم در وجودش باقی می ماند و بنای اصلی شخصیت و چارچوب وجودی او را تشکیل می دهد، از این رو هر چه تربیت در سنین پایین انجام گیرد نتایج آن بهتر و مؤثرتر خواهد بود.

پیامبر اکرم می فرماید: «آنچه کودک نارس به ذهن می سپارد مانند نقشی است بر سنگ که می تراشد و آنچه مرد بزرگسال به ذهن می سپارد مانند نوشتن بر آب است.»^۱

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز خطاب به امام حسن علیه السلام می فرماید: «دل کودک چون زمینی خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود می پذیرد، پس من پیش از آنکه قلبت سخت و فکرت به امور دیگر مشغول شود به ادب و تربیت تو مبادرت می ورزم.»^۲

اهمیت و ضرورت تربیت در دوران کودکی بر کسی پوشیده نیست و همه مکاتب و گروه ها بر این امر مهم تأکید دارند.

از آنجا که تربیت صحیح کودکان و فرزندان در سازندگی جامعه و تداوم و بقای حیات معنوی آن نقش اساسی دارد، اسلام موضوع تربیت در دوران کودکی را جزء مسائل اساسی و بنیادی قرار داده و برای آن برنامه ای جامع و هماهنگ با فطرت او در سه حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام در نظر گرفته است. نکته مهم در بحث تربیت این است که تربیت و به فعلیت رساندن استعدادهای درونی و نهفته کودکان در جهت هدایت و رشد آنها امری همگانی است و موفقیت در این امر نیاز به همکاری و هماهنگی همه افراد و نهادهای تربیتی دارد.

خانواده اولین محیط تربیتی است که کودک پس از تولد در آن قرار می گیرد، این محیط تربیتی در تحول و شکل گیری شخصیت کودکان مهم ترین نقش را ایفا می کند. اولیای مدرسه، معلمان و مبلغان دینی از دیگر افرادی هستند که در تزکیه اخلاقی و رشد دینی کودکان مؤثرند، هر

1. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم)، چاپ اول، تهران، انتشارات جاویدان، 1374، ص 445، ح 1385.
1. نهج البلاغه، نامه 31.

یک از این افراد در برهه زمانی خاصی می‌توانند این مسئولیت را بر عهده داشته و کانون خانوادگی را در این مسیر همراهی کنند.

تلویزیون یکی دیگر از نهادهایی است که در تربیت و هدایت رفتارهای دینی و اجتماعی فرزندان نقش مؤثری دارد، نفوذ این رسانه بر کودکان آنقدر عمیق و گسترده است که اغلب تربیت خانواده و مدرسه را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. سرعت بالا در انتقال اطلاعات، دسترسی آسان به برنامه‌های آن و برخورداری از جاذبه‌های سمعی و بصری از ویژگی‌هایی است که باعث شده تلویزیون در میان افراد جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود و تأثیری عمیق بر بینندگان خود گذارد؛ قدرت نفوذ این رسانه بر مخاطبان خود به حدی است که نمی‌توان نقش آن را در شکل‌گیری فرهنگ مخاطبان و تربیت و هدایت آن‌ها انکار کرد، به همین دلیل است که این رسانه در جامعه به عنوان یکی از نهادهای تربیتی مؤثر شناخته شده است.

امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی درباره اهمیت رسانه ملی می‌فرماید: «آن قدری که رادیو و تلویزیون می‌تواند به مردم خدمت کند، روزنامه‌ها و دستگاه‌های دیگر نمی‌توانند خدمت کنند»^۱ و بنا به فرموده مقام معظم رهبری «صداوسیما مدرسه‌ای عمومی است که برای همه قشرها در سراسر کشور است و برنامه‌هایی که از آن پخش می‌شود چه مثبت و چه منفی، آثاری عمیق در روحیه، فکر، رفتار، فرهنگ و بینش مخاطبان خود بر جای می‌گذارد»^۲.

در میان مخاطبان تلویزیون، کودکان بیشترین اوقات فراغت خود را با این ابزار ارتباطی سپری می‌کنند؛ ذهن این گروه از مخاطبان از سازوکارهای دفاعی کاملی برخوردار نیست و آمادگی بالایی برای دریافت هر نوع پیامی دارند، لذا در زمره مخاطبان خاص و آسیب‌پذیر این رسانه محسوب می‌شوند که اغلب با درکی ناقص از برنامه‌های تلویزیون و انس گرفتن با شخصیت‌های برنامه و همانندسازی با آنها، الگوهای فکری، رفتاری و ارتباطی خود را از این برنامه‌ها استخراج می‌کنند. همین اهمیت و جایگاه رسانه ملی در میان مخاطبان کودک است که

1. صحیفه نور، ج 17، ص 157.
2. سخنرانی در حکم ابقای آقای لاریجانی به سمت ریاست سازمان صداوسیما در سال 1378، برگرفته از نرم‌افزار به‌سوی نور.

باعث شده نگارنده در این نوشتار از میان همه نهادهای تربیتی جامعه تنها بر سیاست‌های اجرایی و عملکرد رسانه ملی در حوزه تربیت کودک تأکید کند و آنها را مورد بررسی قرار دهد.

در نظام جمهوری اسلامی که تلویزیون به عنوان یک نهاد تربیتی برای هدایت و پرورش افراد جامعه معرفی شده، رهبران انقلاب، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور جهت ارتقای کمی و کیفی برنامه‌های صداوسیما و استفاده از ظرفیت‌های آن در جهت انتقال پیام دینی و آشنایی مردم خصوصاً کودکان با مفاهیم و معارف اسلامی و انقلابی، اهداف، سیاست‌ها و راهبردهایی بر اساس اصول، ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی طراحی و تدوین کرده‌اند. این اهداف و سیاست‌های مدون به مثابه گفتمان سیاستی حاکم بر رسانه ملی، تعیین‌کننده اولویت‌های تولید و پخش این رسانه هستند و مسیر حرکت برنامه‌سازان و تولیدکنندگان رسانه ملی را در همه حوزه‌ها از جمله حوزه کودک نشان می‌دهند. تحلیل و بررسی گفتمان سیاستی حاکم بر رسانه ملی و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن مسأله‌ای است که پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ آن است. در واقع در این پژوهش سعی شده از طریق گفتمان اسلامی در حوزه تربیت کودک، سیاست‌های اجرایی و عملکرد رسانه ملی در این زمینه مورد مطالعه قرار گیرد و نقاط قوت و ضعف آن شناسایی گردد.

از آنجا که فعالیتها و برنامه‌های رسانه ملی در حوزه کودک بسیار متنوع و گسترده است، بدیهی است پرداختن به همه آنها و مطالعه نقاط قوت و ضعفشان در این پژوهش میسر نمی‌باشد، لذا برای بررسی و تحلیل عملکرد رسانه ملی تنها به برنامه «فیتله جمعه تعطیله» اکتفا شده است؛ این برنامه که در صبح‌های جمعه و روزهای تعطیل از شبکه دوم سیما - شبکه کودک - پخش می‌شود، جزء برنامه‌های پُر مخاطب تلویزیون محسوب می‌شود.

3-1 سؤالات تحقیق

- سؤال اصلی

گفتمان سیاستی حاکم بر رسانه ملی در حوزه تربیت کودک از چه نقاط قوت و ضعفی

برخوردار است؟

- سؤالات فرعی

1. در تربیت دینی کودک از چه اصولی پیروی می شود؟
2. الگوی هنجاری مطلوب رسانه ملی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
3. گفتمان سیاستی مطلوب اسلامی در حوزه کودک از چه عناصر و مؤلفه‌هایی برخوردار است؟
4. گفتمان سیاستی حاکم بر برنامه‌های کودک رسانه ملی از چه عناصر و مؤلفه‌هایی برخوردار است؟
5. گفتمان سیاستی حاکم بر رسانه ملی در حوزه کودک تا چه اندازه با گفتمان سیاستی مطلوب اسلامی تطابق دارد؟

1-4 اهمیت و ضرورت تحقیق

با فرض اینکه اولاً کودکان زنان و مردان آینده کشور هستند و سلامت و سعادت جامعه به تربیت و پرورش صحیح استعدادهای آنها بستگی دارد، ثانیاً انسان‌ها در دوران کودکی از دغدغه‌ها و اشتغالات ذهنی کمتری برخوردارند و آمادگی آنها برای پذیرش پیام‌ها و مفاهیم بالا است، به همین دلیل همه معلومات، عادت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی به دست آمده در این دوران ریشه‌دار و محکم در روح آنها باقی می‌ماند و باعث شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی آنها در دوران بزرگسالی می‌شود، ثالثاً بخش عظیمی از مخاطبان تلویزیون را کودکان تشکیل می‌دهند و برنامه‌های این رسانه نقش منحصر به فردی در ایجاد و درونی سازی الگوهای فکری و رفتاری کودکان و شکل‌گیری هویت و شخصیت آنها دارد، بررسی و تحلیل برنامه‌های رسانه ملی در زمینه کودک و شناخت نقاط قوت و ضعف آنها برای تربیت دینی کودکان و پرورش نسلی متدین، متفکر و بانشاط مهم و ضروری است.

این ملت آرمانها، اهداف، ایده‌ها و آرزوهایی دارد که می‌خواهد محقق کند. ملاحظه قدرت یا سلطه جهانی را هم نمی‌کند و مقصدش در درجه اول این است که اهداف بزرگ و بلندمدت کشور و ملت را تحقق ببخشد. این اهداف، به اعتباری، در کلمه دین و به اعتبار

دیگری، در کلمات دین و آزادی و رفاه و امنیت و اینها خلاصه می‌شود.

حالا شما ببینید که در وضع کنونی و با این جغرافیای فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی موجود دنیا، چنین کشوری با این اهداف و با این موقعیت و جایگاهی که برای خود انتخاب کرده، در این جنگ رسانه‌ای چه موضعی دارد. طبیعی است که ما مورد تهاجم باشیم، یعنی هیچ شبه‌هایی نباید به ذهن راه بیابد در اینکه ما یکی از اهداف اصلی و اولی تهاجم رسانه‌ای هستیم. حالا ما در مقابل این تهاجم، در این جنگ بزرگ و البته نابرابر، می‌خواهیم وظایفمان را انجام بدهیم. چکار باید بکنیم. شما ببینید کار ما چقدر سنگین و حساس است.¹

بنابراین با توجه به اهمیت مضاعف صدا و سیما در جمهوری اسلامی و کارکرد رسانه ملی در تربیت کودکان، برای داشتن نسلی انقلابی و مؤمن ضروری است با بررسی گفتمان سیاستی حاکم بر برنامه‌های کودک تلویزیون و شناخت نقاط قوت و ضعف آنها، رسانه ملی را در جهت هرچه بهتر شدن برنامه‌ها و انجام وظیفه اصلی‌اش که همان تربیت و پرورش افراد جامعه خصوصاً کودکان است یاری کرد.

1-5 اهداف تحقیق

- هدف اصلی

بررسی نقاط قوت و ضعف گفتمان سیاستی حاکم بر رسانه ملی.

- اهداف فرعی

استخراج اصول تربیت دینی کودک.

طراحی الگوی هنجاری مطلوب رسانه ملی.

1. علی جعفری، منشور رسانه: اهداف، سیاست‌ها و مسئولیت‌های رسانه ملی از منظر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب، چاپ اول، تهران، سروش، 1388، ص 45. (سخنان رهبر انقلاب در دیدار با مدیران صدا و سیما 1381/11/15)

استخراج و صورتبندی گفتمان سیاستی مطلوب اسلامی در حوزه تربیت کودک.
استخراج و صورتبندی گفتمان سیاستی حاکم بر رسانه ملی در حوزه کودک.
بررسی تطابق گفتمان سیاستی حاکم بر رسانه ملی در حوزه کودک با گفتمان سیاستی مطلوب اسلامی.

1-6 پیشینه تحقیق

مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده که با موضوع تحقیق مرتبط هستند را می‌توان در سه حوزه الگوهای هنجاری مطلوب رسانه ملی، برنامه‌های کودک مرتبط با تحقیق و اصول تربیت دینی کودک قرار داد که در ادامه به هر یک از آنها اشاره می‌شود.

1. پژوهش‌های مرتبط با الگوی هنجاری مطلوب رسانه ملی:

«الگوی هنجاری رسانه ملی از دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی» عنوان کتابی است که ترکشوند (1388) با همکاری دکتر باهنر تألیف کرده است. ایشان در این کتاب با بررسی نظریه هنجاری رسانه‌های جمعی و با در نظر گرفتن بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که «هنجارهای رسانه جمعی ملی مطلوب از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای چه ویژگی‌هایی دارد» و برای پاسخ به این سؤال با استفاده از بیانات رهبران انقلاب اسلامی - که به صورت دستوری نسبت به کارکنان رسانه ملی ایراد شده - به ترسیم الگوی هنجاری (کارکردی و ساختاری) پرداخته‌اند.

در پژوهش دیگری با عنوان «هنجار رسانه مطلوب کودک و نوجوان در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی» ترکشوند (1391) به دنبال تبیین و ارائه هنجار مطلوب رسانه‌ای برای کودک و نوجوان است. پژوهشگر در این مقاله با روش اسنادی به دنبال پاسخ به این سؤال است که

«هنجارهای مطلوب رسانه ملی در زمینه کودک و نوجوان از دیدگاه امام و رهبری چیست و چه ویژگی‌هایی دارد» و در این زمینه دیدگاه مسئولان نظام را در پنج بخش هنجارهای آموزشی، تبلیغ دینی، راهبری و راهنمایی، تفریح و سرگرمی و اطلاع‌رسانی مورد بررسی قرار داده است. تفاوت این پژوهش با پژوهش قبل در این است که ایشان در این مقاله تنها مخاطب کودک و نوجوان را در نظر گرفته است و بر اساس آن بایدها و نبایدهای رسانه را مشخص کرده است.

دکتر حسام‌الدین آشنا (1376) و حسین رضی در مقاله‌ای با عنوان «بازنگری نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها و ارائه دیدگاهی اسلامی» با مرور تئوری‌های هنجاری به طرح دیدگاه‌های الهی و توحیدی در این حوزه پرداخته‌اند و مدل‌های هنجاری رسانه‌ها را بر اساس نظام عقیدتی حاکم بر آنها با یکدیگر مقایسه نموده‌اند.

در تحقیق حاضر به کمک این سه پژوهش‌الگوی هنجاری مطلوب رسانه ملی ترسیم شده و تفاوت آن با این پژوهش‌ها در این است که در این تحقیق تنها به ترسیم‌الگوی هنجاری اکتفا نشده، بلکه سعی بر آن است که از طریق این الگو به گفتمان سیاستی مطلوب رسانه ملی دست پیدا کرد.

2. تحقیقات مربوط به اصول تربیتی کودک:

در حوزه مبانی و اصول تربیتی تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای انجام شده است که در اینجا به برخی از آنها که به موضوع تحقیق حاضر نزدیک‌ترند اشاره می‌شود.

«بررسی سیاست‌های درازمدت و کوتاه‌مدت تربیت کودک از دیدگاه اسلام» عنوان پایان‌نامه‌ای است که ابوالقاسم رضایی نوده (1388) با هدف آشنایی والدین و مربیان از جامعیت برنامه‌های تربیتی اسلام و آشنایی آنها با روش صحیح زندگی و تربیت کودک نوشته شده است. در این تحقیق که از روش کتابخانه‌ای برای بررسی متون دینی و احادیث استفاده شده، با بیان مبانی تربیت اسلامی و نظریات تربیتی، سیاست‌های درازمدت، اصول راهبردی اسلام، اصول اجرایی کوتاه‌مدت و روش‌های اسلام در تربیت کودک مورد مطالعه قرار گرفته است.

فاطمه رضانی (1389) در پژوهشی با عنوان «اصول و روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج‌البلاغه» به دنبال تعیین اصول و روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس

قرآن و نهج البلاغه است. پژوهشگر در این تحقیق با مطالعه‌ی دو منبع اصلی قرآن و نهج البلاغه و با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که «اصول تربیت اجتماعی کودک و روش‌های تربیتی آن از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چیست» و در مجموع 10 اصل و 6 روش برای تربیت اجتماعی کودک تبیین کرده است، اصول شامل «کرامت، محبت، توجه به تفاوت‌های فردی، مدارا، اعتدال، مسئولیت، کمال‌جویی، راست‌گویی، مشورت، تعاون و همکاری» و روش‌ها نیز «الگویی، پیشگیری، عبرت‌آموزی، تشویق، تنبیه و تعلیم» است.

در پژوهش دیگری نیز تحت عنوان «بررسی مبانی، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی کودکان در سیره پیامبر اکرم» فریبا عسگری (1390) به دنبال شرح و تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی کودکان البته با استفاده از سیره رسول گرامی اسلام و سبک‌های تربیتی منتسب به آن حضرت است.

با اینکه این دو تحقیق اخیر در حوزه اصول و تربیت کودک به مطالعه پرداخته‌اند ولی به دلیل در نظر گرفتن تنها بخش اجتماعی تربیت، در تحقیق حاضر از آنها استفاده نشده است. «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی» عنوان کتابی است که دکتر خسرو باقری (1370) در حوزه تربیت دینی به نگارش درآورده است. ایشان در این نوشتار با توجه به چالش‌های قرن بیست و یکم در حوزه تربیت دینی به تحلیل مفاهیم تربیت و دین و دینی پرداخته و بر اساس چالش‌های مذکور مؤلفه‌ها و اصول اساسی تربیت دینی را پیشنهاد داده‌اند.

رضا محمدی (1387) در مقاله‌ای با عنوان «اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه پیامبر اکرم» و از طریق تحلیل اسنادی تمام متونی که حاوی احادیث و روایات پیامبر اکرم می‌باشند به تبیین مبانی و اصول تربیت از دیدگاه ایشان پرداخته است. در این تحقیق 6 مبانی تربیتی «فطرت، عقلانیت، کرامت، جذبه حسن و احسان، نقایص ذاتی و وجود رابط» شناسایی و برای هرکدام از این مبانی اصول و روش‌هایی استخراج شده است.

«اصول تربیت از دیدگاه اسلام» عنوان مقاله‌ای دیگر است که شهاب‌الدین مشایخی (1388) در حوزه تربیت به بررسی اصول تربیتی و ویژگی‌های حاکم بر آنها پرداخته است. ایشان پس از تعریف اصل و بیان ضرورت آن در مباحث تعلیم و تربیت و ویژگی‌های حاکم بر اصول

تربیتی، اصولی از قبیل خدامحوری، زندگی محوری، اخلاق مداری، اعتدال گرایی، نظارت مداری، خوف ورجا، آخرت اندیشی، آرمان گرایی را مورد بررسی قرار داده و در پایان به دستاوردهای این اصول می پردازد.

3. پژوهش های مرتبط با برنامه کودک

«کودکان و رسانه های جمعی» عنوان کتابی نوشته دکتر ساروخانی (1387) است که در آن تلاش شده با هدف «شکوفاسازی شخصیت کودکان، پردازش درست شخصیت آنان، تمهید فرایند درست جامعه پذیری از طریق فراهم آوری و ارائه برنامه هایی روشن، پرمعنی، سنجیده و منسجم از طریق رسانه های جمعی و تلویزیون و شناسایی گفتمان درست، سنجیده و علمی در باب کودکان ایرانی در این دوره تاریخ» به بررسی گفتمان چند برنامه تلویزیونی مرتبط با کودک (فیتیله جمعه تعطیله، عموپورنگ، رنگین کمان) پرداخته است. دکتر ساروخانی برای دستیابی به هدف مذکور از چند روش اسنادی، پیمایشی، تحلیل محتوای و دلفی و تحلیل گفتمان استفاده کرده است.

مطالعات اسنادی برای بررسی اسناد و آثار علمی در این زمینه استفاده شده، مطالعه دلفی برای شناخت اندیشه صاحبان اندیشه و تخصص در حوزه ارتباطات و کودک، تحلیل محتوای کمی برای تحلیل برنامه های کودک انتخاب شده، روش پیمایشی برای بررسی دیدگاه ها و نظرات کودکان تهران در ارتباط با رسانه های جمعی و تحلیل گفتمان نیز برای بررسی گفتمان برنامه های کودک تلویزیونی استفاده شده است.

اگرچه این پژوهش از لحاظ روشی تقریباً به تحقیق مورد نظر نزدیک است، ولی روش تحلیل محتوای آن کمی و روش تحلیل گفتمان در آن روش نورمن فرکلاف است که از طریق تحلیل متن، تحلیل مؤلفان و کارگزاران و تحلیل پیام به بررسی گفتمان برنامه ها پرداخته است.

سید یاسر حسینی و تعدادی از همکارانش (1391) در مقاله ای با عنوان «نقد و بررسی برنامه تلویزیونی خونه به خونه، جمعه به جمعه» به نقد و بررسی این برنامه ی تلویزیونی پرداخته اند. این پژوهش که حاصل نشست علمی پژوهشگران است، با روش تحلیل محتوا نقاط قوت و ضعف این برنامه را مورد مطالعه قرار داده اند؛ استفاده از عروسک حیوان، تلفیق آموزش و

سرگرمی، به کارگیری هنر در آموزش، قابلیت‌های مجری از جمله نقاط قوت این برنامه است و نقاط ضعف برنامه نیز شامل برقرار نشدن ارتباط کامل با مخاطب کودک، تک جنسیتی بودن برنامه، تعدد موضوعات ارائه شده در یک برنامه است. پژوهشگران در پایان مقاله نیز پیشنهادهایی برای بهتر شدن برنامه ارائه کرده‌اند.

لیلا محمدزاده وحدتی (1389) نیز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «رویکردهای اخلاقی در برنامه کودک (مطالعه نشانه‌شناسی فیتیله جمعه تعطیله)» با هدف بررسی شیوه ارائه روش‌های تربیتی با استفاده از رسانه‌های جمعی، روش‌های تربیتی مورد استفاده در برنامه فیتیله را به‌عنوان یک برنامه تلویزیونی مورد مطالعه قرار داده است. محمدزاده سعی دارد با این بررسی به بستر رویکرد اخلاقی این برنامه و تأثیر آن بر زندگی کودکان نیز دست یابد.

جامعه آماری در این تحقیق ویژه برنامه «فیتیله جمعه تعطیله» در تعطیلات نوروز 1388 و واحد تحلیل نمونه‌های گردآوری شده «صحنه» است. پژوهشگر برای انجام تحقیقات خود از ترکیب سه روش نشانه‌شناسی تحلیل سازه، تحلیل پنج رمزگان بارت و روش تحلیل سطوح سه‌گانه فیسک استفاده کرده است.

این پژوهش از سه سؤال اصلی تشکیل شده است:

- روش یا روش‌های تربیتی ارائه شده در برنامه فیتیله چیست؟

- آیا روش یا روش‌های تربیتی این برنامه دال بر یک گفتمان اخلاقی است؟

- در صورتی که این برنامه دارای گفتمان اخلاقی است ویژگی‌های آن چیست؟

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این برنامه در تلاش است برای هماهنگی با گفتمان اخلاق دینی، محتوایی را به کودکان ارائه کند که از خلال آن کودکان صرفاً به زندگی در دنیای بایدها رهنمون شوند. این گفتمان اخلاقی باعث می‌شود برنامه تا حدودی از واقعیت‌ها فاصله بگیرد. گفتمان اخلاقی این برنامه مبتنی بر گفتمان کشمکش بین خوبی‌ها و بدی‌ها است.

در تحقیق دیگری تحت عنوان «میزان همخوانی تولیدات برنامه‌های کودک سیما با مراحل تربیت و رشد کودکان» که توسط حمیده کشاورز (1391) انجام شده، سعی شده تطابق بین برنامه‌های کودک با رشد و تربیت آنان را از طریق تحلیل محتوای برنامه «فیتیله جمعه تعطیله» در

سال‌های 90-86 بررسی شود. سؤال اصلی در این تحقیق این است که «آیا بین محتوای برنامه‌های کودک ساخت کشور ایران و پخش از گروه کودک سیمای جمهوری اسلامی با رشد و تربیت آنان تطابق وجود دارد؟»

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشگر وجود موسیقی و رنگِ صحنه را در برنامه‌های کودک از موارد متناسب با رشد کودک می‌داند که وجود این دو باعث جذابیت بیشتر برنامه شده است. همچنین اشاره به صفات اخلاقی و رفتارهای اجتماعی در برنامه دال بر توجه آن به رشد و هدایت کودکان است. به‌طورکلی از نظر پژوهشگر این برنامه با رشد و تربیت کودکان تطابق داشته و پاسخگوی نیازهای کودکان است.

مرجان اسماعیلی (1390) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «آسیب‌شناسی ساختاری برنامه‌های زنده کودک سیمای جمهوری اسلامی ایران با مطالعه موردی برنامه عموپورنگ و فیتله» به دنبال پاسخ به این سؤالات است که «ساختار برنامه‌های زنده کودک در سیمای جمهوری اسلامی چگونه است و عوامل مؤثر در ایجاد ساختار مناسب این‌گونه برنامه‌سازی چیست؟»

اسماعیلی با فرضیه اینکه برنامه‌های زنده کودک در سیمای جمهوری اسلامی از لحاظ ساختاری ضعیف و تکراری هستند، از طریق روش اسنادی و مشاهده‌ای به بررسی ساختارهای برنامه‌های کودک مورد نظر پرداخته و عناصری که در این‌گونه برنامه‌ها نقش مهمی دارند را مورد مطالعه قرار داده است. ایشان سپس از طریق سه شاخص «جلوه‌های ویژه بصری»، «نمایش» و «شخصیت‌شناسی» که باعث جذابیت در برنامه‌های کودک می‌شوند، دو برنامه عموپورنگ و فیتله را مورد بررسی قرار داده و نقاط آسیب و کاستی‌های آن‌ها را استخراج کرده است.

اگرچه برنامه مورد مطالعه در این پژوهش‌ها تا حدی با برنامه انتخاب‌شده در تحقیق حاضر یکسان است ولی هدف و روش انتخاب‌شده در آن‌ها با پژوهش حاضر متفاوت است. هدف اصلی در این تحقیق «بررسی نقاط قوت و ضعف گفتمان سیاستی رسانه ملی در حوزه تربیت کودک» است که سعی شده از طریق روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف به این هدف دست یافت.